



از: آندروم ناگروسکی
ترجمه: سعید محبی

مسئله جمعیت و

سرپوشی برای پیدان غریب

« و خداوند چنین خواست و به بشر چنین فرمود - بارور باش، زاد و ولد کن، و در زمین بپراکن. و زمین را مقهور خود ساز. بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر هر جنبه‌ای روی زمین فرمان فرمای. »
انجیل

خدا فرزندان را زیاد کند (خدا بچه‌های زیادی به تو ببخشد)

يك اصطلاح هنگام نوشیدن در جشن عروسی در کشور اندونزی در ردیف اصطلاح «به سلامتی» در عرف متداول ایران

«در طول مدتی که این کلمه را میخوانید پنج نفر که بیشترشان کودک هستند از گرسنگی میمیرند و بیش از چهل نوزاد متولد میشوند.»
پل ارلیش: «بمب جمعیت»

همه نسبت به دعا برداشته‌اند، کونی‌راه دیگری برای حل مشکلاتی از قبیل شهرهای به مرز انفجار رسیده، زاعه نشینان شهرها، بحران انرژی، کمبود مواد	شدانی، آلودگی محیط زیست، مسئله سقط جنین و تنظیم خانواده و مرگ و میر وجود ندارد. اینها واقعتهائی دلهره انگیزند: صحرا- های لم‌بزرگی که دچار قحطی هستند، Rio ولاگوس	میلیونها انسانی که فقط به خاطر گرانی کود (و مالنداشتن امکانات کافی برای کشت و زرع) دوهند می‌میرند، شهرهای از قبیل ریو Lagos	که در کم و کیف با همه دنیا متفاوتند - زیر جنگلهای مهیب گرسنگی دست‌شویامی‌زنند و حتی زنان خاندادار طبقات متوسط در گوشه و کنار شهرهای متنام و
--	---	---	---

پررمت - مثل توکیو و پاریس - نیز دریافته‌اند که زندگی ممکن و موجود همانا توام با کمبود مواد غذایی است .

امعانصر و بازیگران این مصیبت و تراژدی هر چه باشد قضیه مآلا به مسئله جمعیت منتهی میشود .

اعداد و ارقام مربوط به مسئله جمعیت آدمی رامبوهت می‌آورد و در تصور نمی‌گنجد . اگر میزان رشد کنونی جمعیت به همین نحو ادامه یابد در عرض ۲۵ سال آینده جمعیت جهان دو برابر خواهد شد و این تازه جزء ناچیزی از مسئله است .

از زمانی که پیشرفتهای پزشکی که بدنبال انقلاب صنعتی پدید آمد رو به افزایش نهاد امکانات بیشتر زنده ماندن بطور چشمگیری توسعه یافت . بشریت گوئی بهمی است که بعد آسا از کوهی به بانهین سقوط میکند - بهمی که هرچه بیشتر و سریعتر انبوه و انباشته میشود . و بدین ترتیب جمعیت جهان که تا سال ۱۸۳۰ به یک میلیارد نفرم نمیرسید در سال ۱۹۲۰ به دو میلیارد نفر و در سال ۱۹۶۰ به سه میلیارد و امروز حدودا به چهار میلیارد نفر بالغ گردیده است . نورمن بورلاک برنده جایزه نوبل در ادبیات می گوید « اگر جمعیت جهان به همین ترتیب افزایش یابد بشر نابود خواهد شد » علاوه حتی اگر معجزه‌ای بتواند از این به بعد خانواده‌ها را به داشتن دو فرزند قانع و مقید سازد تعداد در حال افزایش جمعیتی که به سن توالد و تناسل میرسند این اطمینان را که جمعیت جهان در قرن آینده به میزان مطلوبی افزایش یابد سلب نمینماید .

آنچه موجب نومییدی است توزیع و پراکنندگی نامتعادل رشد جمعیت جهان است . کشورهای که قادرند لااقل از عهده جمعیت موجود بر آید با وظیفه خطیر و نامقدور تامین و تقارک جمعیتی که رشدی چند جانی دارد و بهر حال بایستی تغذیه شود و از حیث پوشاک تامین شود و سالیانی دست کم - برای زیستن داشته باشد و اداره شود نیز رو برو میشوند .

در میزان کنونی ، رشد جمعیت کشورهای پیشرفته در سال يك درصد است - رقم نسبتا ناچیزی که در عین حال بیاتر این مطلب است که حتی در بین کشورهای پیشرفته صنعتی جمعیت در هفتاد سال آینده دو برابر خواهد شد . در مقابل ، میزان رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه که اکثریت مردم جهان را در بر می-گیرند - ۲٫۸ است رقمی که بیاتر تضاعف کابوس گونه جمعیت در بیست و نه سال آینده است . تکاهی به آنسوی سال دوازدهم سده که اگر انفجار کنونی هم-چنان ادامه یابد نتایج ناباورانه و غیر قابل قبول بدنبال خواهد داشت ، کشورهای نظیر کنیا ، الجزایر و کلمبیا که اکنون دارای رشد جمعیت ۳٫۰ هستند بطور علمی در آخر قرن بیست و یکم به افزایش جمعیتی که نوزده برابر شده است روبرو خواهند شد . دریافت و تولید نرگی بهمی بر این که جهان با مسئله‌ای این چنین وحشتناک و با اهمیت روبرو و نتیجتا کوششهای برای مقابله و مواجه شدن با آن برانگیخته است . شکفت آور نیست جدی پیش در گوناگون این مسئله نمایندگان ۱۳۵ کشور در اولین کنفرانس جمعیت ملل متحد در بخارست گرد هم آمدند . گرچه کنفرانس دقیق از اتخاذ جهت و موقعیتی نرورد . رشد جمعیت بطور رفتن این موضوع که کنفرانس توانست افرازی از قبیل کسانی که طرفدار آزادی زنان بودند و بر روی دکلماسی شان عبارت « جسم مربوط به من است » حك شده بود و هم چنین نمایندگان واتیکان را دور هم گرد آورد - اولین بام مهم بود . سخنوی رسمی کنفرانس اظهار داشت که کنفرانس در مورد کوششهای تدریجی بشر که متناسب با اوضاع و احوال خاص بوده است جهت بررسی و توضیح مسئله (جمعیت) موضعی انتقادی دارد .

(تصور هیرتت که) کنفرانس بخارست دستکم - در حسد ثوری طرحی را که با توجه و امان نظر همه ملتها بعدا بتصویب برسد ، تهیه خواهد نمود . اما هنگامی که اولین نماینده سخنرانی کرد

اختلاف نظرهای چشمگیر در بین نمایندگان تائیدی بود بر اینکه نتیجه و تصمیم نهائی کنفرانس برای جلب حمایت و پشتیبانی جهانیان مهیم و تارسا خواهد بود . سخنان نمایندگان کشورهای پیشرفته بهمی بر لزوم کنترل میزان مولید با پاسخها و سخنان خشمگینانه نمایندگان چند کشور امریکای لاتین افریقا و آسیا روبرو شد .

جهان سومی ها مصرف فزاینده و اسراف کشورهای پیشرفته را عاملی خطرناکتر و وحشت انگیزتر از رشد جمعیت بشمار می‌آورند یکی از نمایندگان افریقائی باختم گفت : « شما میخواهید مایه خانه-هایمان بازگردیم و رعیتی شما را بکنیم . چرا اراده و حرف ما را برای تغییر و تحول نسقمید؟ » و حتی نمایندگان کشور های در حال توسعه کی سلامت آمیزتر از این سخن جانبداری کردند .

دکتر کاران سائی Singh وزیر بهداشت و تنظیم خانواده هند گفت : « مشکل است که موضوع تنظیم خانواده به تنهایی به میزان هدفی حاصل پذیرفته شود مگر این که پیوستگی و رابطه آشکار مسئله با موضوع توزیع درجه عادلانه تر ثروت نیز درک و فهمیده شود . »

محدودیت های رشد

با وجود همه علاقه که به کنفرانس بخارست برآز میشود لکن این سخنرانیها انعکاس و بازتاب کم رنگی است از مسائل و جدل های پرسر و صدای که در اطراف مسئله جمعیت در چند سال اخیر مطرح بوده است . از حدود سال ۱۹۶۰ به اینطرف تعداد در حال افزایش اقتصاددانان ، علما و دانشمندان علوم اجتماعی به این نتیجه جوتناک و شوم رسیده‌اند که انفجار جمعیت نوع بشر را به سرعت بسوی قاعه پیش میراند و تنها امید یابی (برای جلوگیری از وقوع قاعجه) اقدامات اصولی است که میتواند فقط تلفات و زیان را تقلیل دهد .

یل ارلیش استاد زیست شناسی در دانشگاه استانفورد و مولف کتاب « بمب جمعیت » به خبرنگار مجله نیوزویک گفت « کنفرانس بخارست

حدود بیست سال دیر تشکیل شده است . بسیار بعید به نظر میرسد که دوده آینده را بدون فجاج و بدبختیهای که مرک صد هاپیلیون انسان را بدنیال دارد پشت سر گزاریم . » موسسه تکنولوژی ماسا-چوست در یک بررسی تحت عنوان « محدودیت های رشد » که زیر نظر کلوپ رم در سال ۱۹۷۲ انجام شده است طرحی از آن میسر گیری (روز مجسر) را بدسته داده است . آگاهان میگویند به شیوه‌ای کمپیوتری ثابت کنند که منابع و معادن قابل بهره برداری در حال حاضر به سرعت رو به افهام است و در مورد قابلیت کشت زمین نیز بشر با محدودیت هائی روبرو خواهد شد . در همین حال ایشان هشدر می‌شوند که کوشش های دیوانه وار برای تولید بیشتر به خاطر مردم بیشتر سبب انهدام محیط زیست خواهد شد پیام و توصیه این متخصصین روشن است « انفجار جمعیت و رشد اقتصادی هر دو بایستی متوقف شوند » دکتر دنیس میدوز

Dennis Meadows

از کالج دات موس و یکی از اعضای کلوپ رم میگوید « جامعه بشری به مرحله‌ای رسیده است که نقطه دو راه در پیش دارد یا از رشد سریع میزان مرک و میسر جلو گیری نکنیم تا تعادل و معوز انسانی حاصل شود و با اینکه معیارها و ضوابط اجباری را برای رشد جمعیت وضع و اعمال نمائیم . »

استندا میتوان گفت که کمتر متنی است که شوقی برای پذیرفتن و قبول سخنی چنین دلننگ کننده داشته باشد . در حقیقت بیشتر دولتها هنوز معتقدند که مسئله جمعیت عبارت است از داشتن جمعیتی « زیاد » نه جمعیتی « بیکی از اندازه » . اکثر دول غربی علیرغم ناتوانی شان در امر تهیه مسکن مناسب برای جمعیت موجود خود پیشنهاد می‌کنند که نیرو های اقتصادی گسترش و وسعت بیشتری یابند تا نتیجتا جمعیت بیشتری داشته باشند و مآلا از کمبود تهدید کننده نیروی (انسانی) کارگر جلوگیری کرده باشند .



کشور های دیگری به این اعتقاد متوسل میشوند که جمعیت بیشتر نیرو و اعتبار و وجهه بیشتری برایشان بیار میآورد یا کم بودن جمعیت نقطه ضعفی در برابر کشورهای پر جمعیت محاسبه ایجاد مینماید. روش کشور برزیل مبنی بر حمایت از رشد جمعیت موجب شد که آرژانتین در مورد فروش قرض های جلوگیری از آبشستی تضمیناتی قائل شود.

روزنامه بروش لاس بیسز

Las Bases

مینویسد « در سال ۲۰۰۰ همسایگانی با جمعیت فوق العاده زیاد که با مشکل تغذیه آن مواجهند و در مقابل سه میلیارد کیلو متر مربع زمین که عملاً خالی از سکنه است خواهیم داشت.»

راه حل نهائی

گوینده ترین ضربه را به نظریه محدودیت های رشد، گروهی از اقتصاد دانان که خود بینی اصولی این نظریه را مورد ایراد

میدانند وارد آورده اند. پروفسور ویلفرد بکرمن در آخرین اثر خود پنجم «دفاع از رشد اقتصادی» مدعی است که تاکنون هیچکس نتوانسته واقعا اثبات کند که رشد همواره جمعیت با رشد اقتصادی برای بشر خطراتناگهناست. پس محدودیت های محیط زیست؟ توماس مالتوس اولین پیلم آور مسئله نگران کننده جمعیت را در جهان ۱۷۶ سال قبل در لندن میگفت که «جمعیت، ذخایر غذائی جهان را در واقع مصرف نمی کند، بلکه غارت می کند.» و بکرمن ادعا می کند که «تاکنون چنین اتفاقی رخ نداده است.» و اصرار دارد که نئومالتوسیانیسم امروزی ماشین های محاسب خود را با مفروضات بدبینانه ای تغذیه میکند و بدیهی است که این ماشینها نتایج بدبینانه ای هم به دست میدهند.

بعلاوه «بکرمن» مدعی است که در سالهای اولیه صنعتی شدن جمعیت رو با افزایش مینهد و پس از

اینکه روزگار سعادت و آسایش و موفقیت فرا رسید از افزایش باز میایستد. با استشهاده از روشهای دموگرافیک غربی ها «بکرمن» بحث میکند که ممکن است در کشورهای در حال توسعه فرایند مشابهی بوقوع پیوندد. ولسا وی معتقد است که پیش بینیهای مربوط به اتمام در حال وقوع و تمهید کننده معادن و منابع جهان دیگر با واقع منطبق نیست. وی سراجتا میگوید که منابع و معادن جهان واقعا و بهیچوجه محدود و منتهای نیست. گذشته از نظرات «بکرمن»، گروه دیگری از اقتصاد دانان روش اقتصادی را به عنوان تنها راه حل میدانند و هیچکدام از نظریه های کشورهای پیشرفته را مبنی بر کنترل هوالیدوراه حل (پیشنهادی) کشورهای در حال توسعه مبنی بر توزیع مجدد ثروت نمی پذیرند.

«ب» بروک بریکز از موسسه هودسن نیویورک معتقد است که جهان از جهت تغذیه استعداد و امکانات کافی را برای اداره جمعیتی

در حدود سی میلیارد نفر را داراست. این جنایتکارانه است اگر متوقع باشیم که جهان سوم همچنان فقر زده و تهیدست بماند و احمقانه است اگر از ثروتمندان بخواهیم که معنا (واخلاقا) از فقر شرم کنند و ابلهانه است اگر باور داریم که تنگدستان بالاخره روزی به اندازه کافی قوی خواهند شد تا با قدرت بتوانند شاهد خوشبختی و نیکروزی را در آغوش کشند رشد اقتصادی موجود و گنونی مآثورن آینده با انهدام و ریشه کن شدن همه جاگیر و کامل فقر از صحنه جهان همراه خواهد بود.

گرسنگی دائمی

این اعتقاد و قضایوت - با توجه به تجربه های اخیر کشور - های در حال توسعه تا حدودی قابل ایراد و امتراض بنظر میرسد. گرچه پیشرفتهای عظیمی که قدرت تکنولوژی در جهت توسعه رفاه بشر انجام داده ثابت کرده است که ممکن است طرق و رویه های

جدید برای بهره برداری از منابع کشف شود لکن این پیشرفت‌ها بطور پیوسته نتوانسته‌اند انتظارات موجود را برآورند. برای مثال مکزیک در نتیجه انقلاب سبز به منافع مولر و قابل توجهی در تولید کشاورزی نائل گشت اما اکنون رشد درقی ناگهانی جمعیت، این کشور را از یک کشور فقط صادر کننده مواد غذایی به یک کشور فقط وارد کننده مواد غذایی تبدیل نموده است.

بدبختانه در اینکه بعضی از پیشرفت‌های تکنولوژیکی موجود را پیشامدها و وقایع پیش بینی نشده‌ای به مخاطره انداخته و خنثی کرده‌اند. بحران انرژی موجب کمبود ناگهانی کود شده است بعضی از متخصصین پیش بینی می‌کنند که در آینده بسیار نزدیکی گرسنگی همه گیر و عمومی در بعضی از کشورها از قبیل هند بوقوع خواهد پیوست. گرچه وقوع فاجعه‌ی بزرگی به تأخیر افتاده و دفع شده است لکن دورنمای جهان از جهت مواد غذایی ملالت انگیز است چرا که میلیونها نفر به علت گرسنگی و در نال یک جریان عادی از بین خواهند رفت. تا زمانیکه طرفداران بهره‌افزای رشد نامحدود و بی‌قاعده جمعیت اظهار میکنند که منابع و معادن غذایی جهان میتواند جمعیت خود را تغذیه و تسامین کند یک پنجم جمعیت کنونی خود را در موقعیت وحشت انگیز یک گرسنگی همیشگی و دائمی می‌بیند.

نتیجتاً کشورهای در حال توسعه مشغول بررسی مجددی در خط هشی و سیاست خود در امر جمعیت هستند بسیاری از برنامه‌ریزان ملی (داخلی) باین نتیجه رسیده‌اند که فقط یک کاهش عمده در میزان تولید می‌تواند پیشرفت‌ها و رشد اساسی اقتصادی را امکان پذیر سازد. دو مورد بسیاری (درک) این مطلب تقریباً (تغییر جهت اساسی و) عقب‌گردی کامل را در موضع گیری عمومی و ملی در بران ملتها موجب گردیده است. رئیس جمهوری مکزیک لوئی اچواریا Luis Echeverria پدر هشت فرزند، در فعالیت‌های انتخاباتی خود دو سال ۱۹۷۰ با لحن افتخار آمیزی میگفت «حکومت

کردن عبارتست از (فراهم نمودن موجبات) تکثیر جمعیت» اما پس از رسیدن به قدرت وقتی مشاهده کرد که رشد سرسام آور ۳۰ درصد چگونه منافع جمعی را نابود میکند و از بیس میبرد پرودی از نظر سابق خود عدول کرد و دیگر آن لحن (افتخار آمیز) را نداشت. در همان هنگام که یکی از هم‌وفاقیین گفته‌های مانو این بود که «با جمعیت بیشتر بهتر و بیشتر کار خواهیم کرد» سخن دیگری در مورد فعالیت‌های کنترل موالید بی‌حد و حصر در چین بر سر زبانها افتاد: زاد و ولد بی‌حساب و کتاب کار صحیحی نیست (میزان) موالید باید (کنترل شود) و با برنامه باشد.

هنگامه: مرگبار!
با اینکه بسیاری از کشورها علیرغم این کمبودها و مطالبات هنوز هم چشم‌های خود را در مقابل مسئله‌ای بنام جمعیت فرو می‌بندند و بدان توجهی ندارند. بموازات رشد سالانه ۱۰ درصد جمعیت افریقا در طول دو سال گذشته محصولات غذایی آن نیز کاهش یافته است معطداً بیشتر دول آفریقائی فائده هر گونه خط هشی و سیاست بخصوصی در مورد مسئله جمعیت می‌باشند. در نام «مستشرقه طی سابق فرانسه» بجز مالتی، فروش، فر توج، داتوی، جلوگیری از آلودگی و رسماً جرم محسوب می‌گردد.

بعلاوه دولت‌ها در مواقعی که نتوانند و نتایجی که برنامه‌های کنترل موالید ببار می‌آورند حمایت نمی‌کنند. دولت گنیا علت اینکه فقط ۱۱ در صد زمین آن برای کشت و زرع و تولید محصول مناسب و مساعد است متوجه این خطر شده است که ممکن است مجبور شود برای تغذیه جمعیت در حال افزایش خود مواد غذایی وارد کند. در نتیجه این کشور بلند همت‌ترین برنامه‌های مربوط به کنترل جمعیت را در افریقا ارائه کرده است. با اینحال تاکنون تصویب طرح مربوط به جمعیت به علت امتناع سرسختانه بعضی از مشاوران نزدیک بر زیدنت جومو کینیا

دیوار لغان به تعویق افتاده است. مارین شیکو کوویر مشاور (معاون وزیر امور خانوادگی پدر دوازده فرزند میگوید: «وقتی که جسی استعدادهای نهانی و بالقوه زمین و آبمان به مصرف رسیده و تمام شده فقط به کنترل موالید می‌اندیشم و راه چاره را در آن می‌یابم». اگر چه هند، اولین کشور در حال توسعه‌ای که برنامه‌های تنظیم خانواده را شروع کرده است موضع قابل انتقادی دارد. علیرغم فعالیت‌های شدید کنترل موالید در هند، جمعیت این شبه قاره سالانه بلاقطع دوازده میلیون نفر افزایش می‌یابد که این تقریباً معادل تمام جمعیت استرالیا می‌باشد و اگر همین روزه ادامه یابد هند، کشور چین را که پرجمعیت‌ترین کشور جهان در سال دو هزار خواهد بود پشت سر خواهد گذاشت. این حادثه ایست که امکان وقوع آن حتی طرفداران برده‌افزای و آزیمند رشد جمعیت را و امیدارد تا از گرسخت خود ناپوش شوند.

نار کردن شوقی و دهگان
اشکال کار در کجا بوده است؟ بالوین نظر آشکار میشود که دولت دلی نو کلمهای ضروری لازم در راه کم کردن و متوقف ساختن رشد جمعیت خود را برداشته است. در طول یک دوره پنج ساله مسئولین با توزیع رادیوهای ترانزیستوری ارزان و از طریق روش‌های دیگری موجب شدند که حدوداً ۱۰ میلیون نفر به نازا شدن تن دو دهه. قطع مجرای نطفه برای جلوگیری از بزرگ شدن جمعیت در ایستگاههای راه آهن پر جمعیت نیز مبادرت بعمل جراحی می‌شد. بیش از دو میلیون نفر از «آی. یو. دی.» استفاده نمودند و بین کسانی که می‌خواستند روشی مرتب

بیش گیرند قرصهای مخصوصی Colored Beads توزیع می‌گردید و میلیونها غشاء محافظ نیز در اختیار مردم قرار می‌گرفت. معطداً، این اقدامات کافی نبود زیرا گروهی از مردم پس از عمل جراحی به علت اهمال و بی میلای از بین میرفتند. گروهی فی الواقع نفیدانستند که این عمل جراحی برای چیست. برنامه نازا کردن همگانی جامعه هند می‌بایستی

در سال گذشته کنار گزارده می‌شد. اهمیت قرص های جلوگیری دورهای در حکم نوعی تفنن محسوب شد و بی‌آزاری گرفته شد و کودکان هم‌دیگر فهمیدند که غشاء محافظ پلاستیکی می‌تواند: مثل بالون - اما سرانجام بیشتر کارشناسان باین اعتقاد رسیدند که کوششهای موالید در هند در امر جلوگیری از دوش و سیره جاری بشود نارسا بوده است. زیرا این کوششها هرگز بعنوان یک برنامه جامع پیشرفت و توسعه اجتماعی و اقتصادی که مالا موجب ظهور انگیزه‌ها و محرک‌های اساسی برای خانواده‌ها شود تا بر اساس آن انگیزه‌ها موالید خود را کنترل و محدود سازند، تلفیق و تنظیم نشده است. حقیقت (قضیه) همانطور که اکثر برنامه ریزان موالید اذعان دارند این است که مسئله جدید و کنترل رشد جمعیت پیچیده‌تر از آنست که قبل از این تصور میشده است. جان دی راکفلر سوم موسس و رئیس سازمان جمعیت آمریکا ضمن نطقی که جهت ایراد در کنفرانس بخارست تهیه کرده بود اظهار داشت «اتنها راه (حل) موجود و عملی این است که خط هشی و سیاست جمعیتی را جدا و مصراً بموازات (برنامه‌های) توسعه و پیشرفت عمومی اجتماعی و اقتصادی طرح‌ریزی نمائیم».

اصولاً تجاربی که در چندسال اخیر بدست آمده است نشان میدهد که دهقانان مصری و اندونزی و هر کشور دیگری که بطور متوسط بیسوادند بشدیدا تقاضاهای مبنی بر محدود کردن خانواده را (از نظر موالید) نادیده می‌بینند و مگر اینکه علت محسوس و قابل لمس برای پدرش آن بیایند. در بسیاری جوامع هنوز فرزند تنها پشتیبان و امید روزهای گرسنگی و ضعف محسوب میشوند. میزان زیاد مرگ و میر در بین کودکان موجب میشود که زاد و ولد بیشتری صورت گیرد تا حداقل امکان زنده ماندن بکی دو نازا پسران فراهم شود. اما وقتی کشوری مثل چین کوشش همه جانبه خود را برای پیشبرد پیشرفت سطح بهداشت عمومی در بین کلیه شهرنشینان بکار می‌برد بین کاهش

که باین ترتیب در میزان مرگ و میر کودکان پدید میآید و رشد کمتر میزان مولیدموازنه‌ای برقرار می‌گردد. لستر براون عضو عالی‌رتبه هیئت توسعه ماوراء بحار و واشنگتن اظهار داشت « یک بررسی در برش عرضی فروضات و نتایج حاصله در کشور پر جمعیت نشان میدهد که در ازاء افزایش که در میزان سن عمر (میزان عمر) بوجود میآید از میزان مولید کاسته می‌شود».

بیماران

دولت چین برای بدست آوردن جمعیت فراوان گروهی بعنوان «بیمار» تشکیل داده است. ایشان افرادی هستند که امراض عمومی را معامله میکنند و در همان موقعی که کمکهای اولیه را انجام میدهند و وسائل جلوگیری از آبستنی را نیز توزیع میکنند.

کشورهای در حال توسعه‌ای که بجای صرف مبالغ هنگفت برای تحصیلات بیشتر تدابیر خود را روی گسترش تحصیلات فرهنگ ابتدائی متمرکز کرده‌اند نسبتاً موفقیت‌هایی در کاهش جلوگیری از رشد جمعیت نائل شده‌اند. میتوان گفت موفقیت‌های این کشورها نسبتاً هم بعلت طرز فکرهای مختلف و هم به سبب ادیان گوناگون از تاثیر خود عاری شده‌است هنگامی که جبهه سرسختانه وایکان در مقابل هر نوع جلوگیری مصنوعی از آبستنی و سقط جنین مانع در بعضی از کشورهای کاتولیک ایجاد کرده‌است اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی آشکارا نقش مهمی را در تعیین و قاطعیت طرح کنترل جمعیت ایفا نمینماید. هم چنین کشورهای در حال توسعه با افکار و عقاید مختلف باین نتیجه رسیده‌اند که حتی با درآمد سرانه کمی می‌توان رشد جمعیت را از طریق توزیع عادلانه ثروت و ایجاد وسیع اشتغال و کارایی و ایجاد نوعی امنیت و

تامین اجتماعی محدود و کنترل نمود.

همانگونه که در کنفرانس بخارست بروشنی آشکار شد هیچ دولتی نمیتواند واقعا از زیر بار گفتگو (وراهیبی) در اطراف مسئله جمعیت شانه خالی کند. کشورهای فوق صنعتی غرب و ژاپن علی‌رغم میزان نسبتاً پایین مولیدشان بطور کلی قسمتی از مسئله (جمعیت) را تشکیل میدهند هر کودکی که در یکی از کشورهای پیشرفته متولد میشود چند برابر کودکان غندی و قبلیپیشی غذا مصرف می‌کند. جان مایر کارشناس تغذیه دانشگاه هاروارد خاطر نشان می‌کند که «همان مقدار مواد غذایی که ۲۱۵ میلیون نفر آمریکائی را تغذیه و تامین می‌کند برای تغذیه یک میلیارد و نیم نفر چینی در میزان متوسط غذای (برنج) کارانه) چنین کافی است».

در نتیجه بعضی از کشورهای در حال توسعه بجای اینکه بطور راسخی معتقد باشند که راه حل مسئله فقط و فقط در توزیع مجدد ثروت بین ممالک پیشرفته و در حال توسعه است، با ختم می‌گویند که اصلاً وقتی موازنه مسئله جمعیت برائسه و جانشینان ندادند. نماینده چین در کنفرانس بخارست با وجدی آشکار برای خوش‌آیند آن دسته از دولتهای این نقطه نظر (توزیع مجدد ثروت) را پذیرفته‌اند ضمن خودداری از مطرح نمودن برنامه‌های عظیم کنترل مولید در کشور متبوع خود، پیشنهادات کشورهای غربی را مبنی بر کاهش رشد جمعیت توطئه‌ای امپریالیستی خوانده و نماینده کشور چین «هوشوین» گفت: «نظریه‌های بدبینانه در خصوص جمعیت بی‌اساس و بی‌هوده است، آینده بشری نهایت روشن (و امید بخش) است».

در عین حال عده‌ای از ممالک

در حال توسعه نیز به سرعت خاطر نشان می‌کنند که بعدالستی در (توزیع) ثروت ابتدا به این معنی نیست که مسئله جمعیت از نحوست «سوا» وزیر محیط (زیست) و رئیس هیئت کانادائی (در کنفرانس بخارست) گفت: «در توزیع» ثروت بایستی عدالت بیشتری رعایت شود اما در عین حال نباید امیدوار بود که بتوانیم سیستم (حکومتی و اقتصادی) خود را یکشبه (و دفعتاً) تغییر دهیم در همین ضمن باید گامهای سریعی در راه محدود کردن رشد جمعیت برداشته شود».

راه منطقی و قابل قبول همان است که از دیداد فعلی جمعیت همچنان ادامه باید همانطور که فرضیات نظریه، نشان میدهد اکثر دولتها معتقدند بایستی خود را برای جمعیتی که تا آخر قرن حاضر دو در نتیجه بعضی از کشورهای در حال توسعه بجای اینکه بطور راسخی معتقد باشند که راه حل مسئله فقط و فقط در توزیع مجدد ثروت بین ممالک پیشرفته و در حال توسعه است، با ختم می‌گویند که اصلاً وقتی موازنه مسئله جمعیت برائسه و جانشینان ندادند. نماینده چین در کنفرانس بخارست با وجدی آشکار برای خوش‌آیند آن دسته از دولتهای این نقطه نظر (توزیع مجدد ثروت) را پذیرفته‌اند ضمن خودداری از مطرح نمودن برنامه‌های عظیم کنترل مولید در کشور متبوع خود، پیشنهادات کشورهای غربی را مبنی بر کاهش رشد جمعیت توطئه‌ای امپریالیستی خوانده و نماینده کشور چین «هوشوین» گفت: «نظریه‌های بدبینانه در خصوص جمعیت بی‌اساس و بی‌هوده است، آینده بشری نهایت روشن (و امید بخش) است».

برابر خواهد شد صرف نظر از نوع سیاستی که در پیش دارید آماده نماید لکن با اینهمه تنها میدوانی این دولتها برای رسیدگی و پیشه‌کن کردن مسائل نابود کننده‌ای از قبیل گرسنگی، فقر، بیماری، محدود کردن رشد جمعیت است و بموازات آن تعقیب و طرح برنامه‌های مترقی که طبیعت محدود و متناهی بودن منابع و معادن زمین را مطمح نظر داشته باشد، در اینصورت مقدار زیادی از بار مسئولیت بدوش کشورهای پیشرفته خواهد افتاد. زیرا کشورهای صنعتی بالاخره بایستی متوجه شوند که اسراف و مصرف بی‌حد و حصر ایشان عوامل و مواهبی را که برای ساختن یک دنیای پایرجا و استوار وزنده نگهداشتن آن لازم است نابود می‌کنند.



علوم انسانی و مطالعات فرهنگی